

تبدیل خیزش به جنبش :

راه سرنگونی

korosherfani@yahoo.com

کوروش عرفانی

آنچه از چند شب پیش در تهران می‌گذرد بیانگر انباشت یک نارضایتی عمومی است که از یک جو عمومی (جهانی، منطقه‌ای و داخلی) مساعد بهره برده و خود را عینیت می‌بخشد. شرایط عینی یک قیام عمومی آماده است و شرایط ذهنی آن نیز در ابتدا در نزد افشاری که در این چند روز به این حرکت پیوسته‌اند فراهم شده است. تجمع این دو شرط سبب فعال‌شدن فرد و تبدیل او به یک بازیگر اجتماعی می‌شود.

اما نباید فراموش کرد که حرکتی که آغاز شده است فعلا یک خیزش اجتماعی (Insurrection) است که از این ویژگیها برخوردار است :

(۱) ناگهانی است

(۲) محدود است

(۳) گذراست

(۴) سازماندهی و برنامه ندارد.

این ویژگیها دارای وجوه مثبت و منفی هستند. وجوه منفی، خیزش را شکننده و آسیب پذیر و مهار و سرکوب آنرا ممکن می‌سازد. ۱۸ تیر یک خیزش بود و به دلیل همین ویژگیها، در نهایت، مهار شد. اگر خیزش نتواند از تنگناهای خود عبور کند سرانجامی ندارد و به اهداف بزرگ دست پیدا نمی‌کند. برای آنکه سرنگونی رژیم، بعنوان خواست عمومی اکثریت مطلق جامعه ایرانی، تحقق پیدا کند باید خیزش اجتماعی به جنبش اجتماعی تبدیل شود. (۱)

ویژگیهای جنبش اجتماعی چنین است ؛

(۱) از قبل روی آن کار شده است.

(۲) فراگیر است. (دربگیرنده وسیعترین همبستگی اجتماعی ممکن می باشد.)

(۳) دوام دارد. (پس از آغاز تا دستیابی به هدف پایان نمی پذیرد)

(۴) هدف معینی را دنبال می‌کند. (استراتژی و تاکتیکهای مشخصی را دنبال می‌کند.)

اگر بپذیریم که سرنگونی با یک جنبش اجتماعی و نه با یک خیزش اجتماعی امکان پذیر است، باید بدانیم چگونه می توان خیزش کنونی را به یک جنبش براندازی تبدیل ساخت. ملزومات این حرکت چنین است.

(۱) اراده همگانی مخالفان رژیم بر این قرار گیرد که جنبش سرنگون ساز را سر انجام به عنوان یک طرح عملی آغاز کنند. یعنی از مرحله حرف و ادعا تبدیل به کنش و عمل شود. این به تصمیم فردی تک تک ما براندازان بستگی دارد. اگر متعقدیم شرایط لازم و کافی برای برانداختن رژیم مالاها فراهم است باید دست بکار شویم.

۲) خیزش کنونی را به سطوح دیگر جامعه اشاعه دهیم. از مقطع کنونی لازم است اقشار، طبقات، محله‌ها، مناطق و شهرهای دیگری وارد میدان مبارزه شوند. اگر بخواهیم بار سنگین یک جنبش اجتماعی را بر دوش یک خیزش اجتماعی که محدودیتهای ساختاری خود را دارد بگذاریم شکست آنرا تضمین کرده‌ایم. خیزش کنونی از حیث محتوایی، درجه رادیکالیسم، پایگاه اجتماعی، توان بسیج‌گری، میزان خطر آفرینی و حتی حوزه جغرافیایی، محدودیتهای خاص خود را دارد و بیش از آنچه که در توانش است نباید از آن انتظار داشت. اگر قرار است که این خیزش به امر مهمی چون سرنگون ساختن نظام دست یابد، باید که تبدیل به جنبش اجتماعی شود. باید همه مناطق شهر تهران بزرگ و همه شهرهای ایران شرکت کنند و مجموعه نیروهای اجتماعی که خواهان براندازی هستند به میدان بیایند.

۳) باید از بروز هر گونه انقطاع و فاصله‌افتادن در حرکت کنونی جلوگیری کرد. باید به حرکت تداوم بخشید تا سبب ورود نیروهای وسیعتر به مبارزه و نیز جلب توجه جهانیان شود. پیوستگی خیزشها سبب می‌شود که ضعفهای خود را بر طرف و ضعفهای دشمن را بهتر بشناسیم. معمولاً ساختارهای سیاسی‌شکننده‌ای مانند جمهوری اسلامی، که در بن بست درونی، فشار خارجی و تهدیدات داخلی گرفتار هستند، نمی‌توانند فشار یک حرکت متداوم را که نظم حاکم را به چالش می‌طلبد بطور طولانی مدت (چند هفته) تحمل کنند. پس استمرار خیزشها شکل‌گیری و تولد جنبش را نخست تسهیل و سپس حتمی می‌کنند.

۴) باید مشخص شود که هدف اصلی حرکتی که آغاز شده است سرنگون ساختن کلیت رژیم جمهوری اسلامی است. لازم است این بعنوان یک اصل روشن در ذهن همه کسانی وارد خیزش می‌شوند جا بیافتد که کل مبارزات باید طوری سازماندهی شود که در نهایت منجر به پایین کشیدن سردمداران نظام و عواملشان از قدرت تمام شود. یعنی هدف اعتراض کردن و سپس بسنده کردن به آن نیست. جنبش یک هدف اولیه دارد و آن سرنگون ساختن نظام است. تمامی اعتراضات و اعمال تهاجمی باید در این راستا شکل گیرند که ما را به سرنگونی کل نظام نزدیک کنند.

۵) حل معمای رهبری نیز لازم است. در این رابطه باید دانست که سازماندهی و رهبری کردن یک جنبش سرنگونی بسیار دشوار است، لیکن وضعیت فعلی مشابه شرایط ده یا بیست سال گذشته نیست. امروز حضور وسایل ارتباطی مانند ماهواره‌ها سبب پیدایش یک نوع "رهبری جمعی" برای جنبش شده است که از طریق یک شبکه اطلاع رسانی مردمی کار خود را انجام می‌دهد. (۲) فرد فرد ایرانیان مبارز و فعال امروز در جلو بردن خیزش سهیم هستند و با قدری برنامه ریزی می‌توان حتی جنبش اجتماعی را نیز از طریق این رهبری جمعی به سرانجام رساند. در این میان بهتر است از حالا کسانی که تجارب مبارزات سیاسی را دارند وارد این رهبری جمعی شوند و دانسته‌ها و آموخته‌های خود را در قالب رهنمود و راهکار از طریق وسایل ارتباطی ماهواره‌ای، اینترنت و غیره در اختیار مبارزان داخل کشور بگذارند.

این کار برای ما کسانی که در خارج از کشور هستیم شدنی و ممکن است. نباید خود را در حصارهای عقیدتی، روشنفکر بازی یا سازمانی زندانی کنیم و وارد این فرایند سرنگونی که آغاز شده است نشویم. کمیت، کیفیت، محتوا، ابعاد و نتیجه جنبش سرنگونی پدیده‌ای از قبل تعیین شده نیست. واقعیت‌های تاریخی متأثر از نقش جامعه و نقش فرد است. ترکیبی از شرایط و اراده انسانهاست که به این واقعیتها شکل می‌دهد. همه چیز را نباید به نیروهای تاریخی و اراده‌ای نسبت دهیم. همه چیز را نباید در بستر توطئه و سناریوهای از قبل ثابت شده ببینیم. این نگرش ما را قبل از شروع نبرد خلع سلاح می‌کند.

تا همین چندی پیش بسیاری باور داشتند که افرادی مثل رضا پهلوی و یا حشمت‌الله طبرزدی امکان بدست گرفتن رهبری جنبش را دارند، اما امروز می‌بینیم که جوانان در داخل کشور با آغاز یک مبارزه قهر آمیز تمامی سفارشها و نظریه‌پردازیهای رویایی این دو را مبنی بر تعهد به یک مبارزه "مسالمت آمیز" به دور انداخته‌اند و با بطریقه‌های آتش زاء، تیروکمان و غیره به جنگ قاتلان جمهوری اسلامی رفته‌اند. این یعنی آنکه نه تبلیغات و هیاهو و سایت اینترنتی درست کردن و کتاب نوشتن، بلکه

واقعتهای درصحنه است که در نهایت حرف آخر را خواهد زد. پس استعداد تبدیل این خیزش به یک جنبش اجتماعی گسترده، قهر آمیز و برانداز کاملاً موجود است.

در این میان بعید می‌دانم که از اپوزیسیون تشکیلاتی جز پرداختن به مشکلات خود و یا صدور اطلاعاتی کلیشه‌ای و حرافی کار دیگری بر آید. اما آنچه حائز اهمیت است وارد شدن دهها و چه بسا صدها هزار ایرانی خارج از کشور است که از یکسو اندوخته‌های مبارزاتی فراوان دارند و از سوی دیگر می‌خواهند در مسیر تبدیل خیزش کنونی به جنبش براندازی فعالیت کنند. وجود چیزی به اسم رهبری جمعی و رسانه‌های جدید امکان این امر را فراهم نموده است که هر یک ما از طرق مختلف به ایفای نقش و رسالت تاریخی خود بعنوان یک عنصر متعهد و سیاسی بپردازیم.

باید مسئولانه برخورد کنیم و اجازه ندهیم که نبود یک جریان رهبری تمرکز یافته سبب شود عده‌ای سودجو، به ضرب و زور تبلیغات، این خلاء را با رهبر یا رهبری مطلوب خود پر کنند. امروز یک پتانسیل انفجاری عظیم در دل جامعه نهفته است که هم جمهوری اسلامی هم بریتانیا و هم هواداران اروپاییش می‌خواهند بدون تغییر رژیم آنرا به نوعی مهار کنند. آمریکا نیز در صدد آنست که اگر ناتوانی رژیم به حدی رسید که نتواند مانع از انفجار این پتانسیل شود، آلترناتیو همسوی خود را در ایران سوار کند تا این پتانسیل به سمت یک سراب دموکراسی کانالیزه شود. وظیفه نیروهای مردمی و انقلابی آنست که شرایط بروز این انفجار را هر چه سریعتر و قویتر فراهم آورند تا شدت آن زمینه انجام دگرگونیهای پایه‌ای و زیربنایی را در دل جامعه ایرانی، پس از سقوط رژیم، فراهم آورد. امکان شکل دادن به یک رهبری جمعی از جانب نیروهای مردمی و آرمان‌گرا امروز بطور مادی وجود دارد اما نیاز داریم که این نیروها از ضرورت و مکانیزم‌های انجام چنین کاری درک روشنی بدست آورند. هر چه زودتر بهتر.

ارجاعات :

(۱)

social insurrection
social movement

خیزش اجتماعی
جنبش اجتماعی